

بیست صفت در زبان آلمانی (درس یک)

written by مرتضی غلام نژاد | نوامبر 5, 2017

در این درس می خواهیم بیست صفت در زبان آلمانی را مورد بررسی قرار بدهیم ، در دروس آینده نیز به همین شکل صفت های زبان آلمانی را مورد بررسی قرار میدهیم.

چنانچه هنوز با صفت آشنایی ندارید می توانید جزوات زیر را مطالعه کنید :

صفت و صرف آنها در زبان آلمانی

ساخت صفت از اسم و فعل در زبان آلمانی

مقایسه صفت ها

مقایسه بین صفت ها

صفت ها و حروف اضافه

منفی کردن صفت ها در زبان آلمانی

حرف a با اضافه شدن به صفت های آلمانی معنی غیر را به آنها اضافه میکند مانند فارسی که می گویم ، معمولی و غیر معمولی ، در زبان آلمانی با اضافه کردن حرف a این اتفاق می افتد.

anormal, asozial, atypisch

غیر عادی یا غیر طبیعی ، ضد اجتماع بشری یا زیان آور برای جامعه ، غیر ویژه یا غیر مشخص

اما صفت بعدی ما abendlich است

abendlich

شبانه ، مخصوص و مربوط به شب

Wir lieben die abendliche Ruhe auf der Terrasse

ما عاشق آن آرامش شبانه در روی ایوان هستیم

اگر یادتان باشد ما یک سری حروف اضافه داشتیم که آنها به همراه افعال ما می آمدند و ما پرکاربرد ترین آنها را در ۲۵ درس مورد بررسی قرار دادیم ، در دروس آینده حروف اضافه ای را مورد بررسی قرار بدهیم که به همراه صفت ها در جملات می آیند.

برای مثال اگر فعل abhängen را یادتان باشد ، گفتیم که به همراه حرف اضافه von می آید ، جالب است بدانید که صفت abhängig که از این فعل گرفته شده است نیز به همراه حرف اضافه von می آید.

abhängig

وابسته ، تابع ، غیر مستقل

Ich bin finanziell von meinen Eltern abhängig

من از نظر مالی به والدینم وابسته هستم

صفت بعدی ما absehbar است

absehbar

قابل چشم پوشی ، قابل رویت ، قابل پیش بینی

Die politische Entwicklung ist nicht absehbar

آن سیاست توسعه و رشد قابل پیش بینی نیست

absichtlich

مخصوصا ، عمدا ، با منظور و نه سهوا

Das habe ich wirklich nicht absichtlich gemacht

من واقعا آنرا عمدا انجام ندادم

absolut

مطلق ، تمام عیار ، کامل ، حتمی

Du hast absolut recht

كاملا حق با توست ، تو كاملا حق داری

absurd

بی معنی ، نامربوط ، مزحرف ، بیهوده ، نا معقول

Dein Vorwurf ist völlig absurd

اعتراضت تماما بی معنی یا بیهوده است

abweisend

رد کردن ، بی مهر و سرد

Warum bist du so abweisend zu ihm?

چرا تو انقدر نسبت به او سرد و بی مهر هستی؟

abwesend

غایب ، حضور نداشتن ، حواس پرت ، بی توجه به موضوع مورد بحث ، توی باغ نبودن

Ist jemand abwesend? fehlt jemand?

کسی غایت هست؟ کسی جا مونده؟ مثلاً در هنگام حضور غیاب نام کسی فراموش شود یا جا بیافتد

ähnlich

مشابه ، شبیه ، همانند

Das sieht ihm ähnlich

آن کاملاً شبیه اون به نظر می آید

ängstlich

ترسو ، بزدل ، نگران ، وحشت زده ، مضطرب

Er ist vor jeder Prüfung ängstlich und nervös

او قبل از هر امتحانی نگران و مضطرب است

aktiv

فعال و با پشتکار ، پر جنبش و سرزنده

Er ist politisch aktiv

او فعال سیاسی است

hyperaktiv, nachtaktiv

بیش از حد فعال ، شب زنده دار

کسی که شب ها فعال و سرحال است نه روز ها

aktuell

هماهنگ با واقعیات و مسایل روز ، واقعی ، حقیقی

Die Zeitung von gestern ist nicht mehr aktuell

روزنامه دیروز دیگر هماهنگ با واقعیات و مسایل امروز نیست

akut

حاد ، پیشتاز ، ناگهانی ، به شدت ، سریع

Es besteht keine akute Brandgefahr mehr

دیگر هیچ خطر آتش سوزی ناگهانی وجود ندارد

-al

با دیگر صفت ها ترکیب می شود

genial, real. sentimental

با استعداد یا باهوش ، حقیقی یا واقعی ، احساساتی یا حساس

albern

کودکانه ، خنده آور ، ابلهانه ، مسخره ، عادی ، عامی

Ich finde sein Benehmen albern und kindisch

برخورد یا رفتار او ، مسخره و بچه گانه به نظرم می آید

alle

همه ، همه چیز

Alle Gäste sind zufrieden

تمام مهمان ها راضی و خوشنود هستند

allein

تنها ، یکتا ، بی مانند ، فقط

Ich wohne allein. / einsam und allein

من تنها زندگی میکنم ، تک و تنها بی یار و یاور

aller-

همه ، تمام ، کلیه ، هرگونه

allerbeste, allergrößte, allerneu(e)ste

تمام بهترین ها ، کلیه چیزهای بزرگ ، همه چیزهای نو و تازه

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :